



شیر شاه



روایت «شیرشاه» یا بانام کهن تر آن «شیر و خرگوشان» که علاوه بر «کلیله و دمنه» در مثنوی مولوی هم آمده است، همیشه یکی از گیراترین داستان‌ها برای گروه‌های سنی گوناگون به‌ویژه کودکان بوده است. در سه‌گانه‌ای که کار مشترک محمدهادی محمّدی و امیر شعبانی پور است، این بار این دوبه‌سوی بازآفرینی نوشتاری و تصویری این روایت رفته‌اند. چکیده داستان چنین است:

شیرشاه که در جنگل فرمانروای مطلق است، همواره جانوران را برای خوراک خود می‌درد و چنان ترسی در دل این جانوران افتاده است که شب و روز بی‌خواب‌اند تا اینکه گروهی از این جانوران می‌ترسند و روحیه‌باخته، تصمیم می‌گیرند برای ادامه‌ی زندگی با ترس کمتر به نوبت بروند و خوراک شیر شوند تا اینکه هر روز منتظر دریده شدن ناگهانی باشند. روایت رفتن و خوراک شیر شدن ادامه دارد تا نوبت به خرگوشان می‌رسد اما میان خرگوشان، خرگوشی دانا ز بار این ستم نمی‌رود و می‌گوید باید از هوش خود بهره‌بریم و به این ستمگری پایان ببخشیم. در نهایت، با تدبیر خرگوش دانا، شیر فریب می‌خورد و برای نبرد با شیری دیگر که در حقیقت تصویر خود همان شیر است در آب‌چاه، خود را در چاه سرنگون می‌کند و آزادی به جنگل برمی‌گردد.



نویسندگان:

محمدهادی محمّدی و امیر شعبانی پور

ناشر: تاک، ۱۴۰۰